

تبادل فرهنگی؛

گفت‌وگو به جای نزاع

حسین ملایی

مدیرمسئول

مقاله

جهان به یکدیگر داشته است. مثلاً چینی‌ها از وجود اروپایی‌ها خبر نداشتند و اروپاییان از وجود چینی‌ها بی‌خبر بودند. پس از آنکه حمل و نقل کالا در این راه آغاز شد، انتقال اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها نیز آغاز گردید و به این ترتیب هر فرهنگ تأثیری عمیق بر مردم، زندگی روزانه، هنر، ادبیات و سیاست فرهنگ‌های دیگر گذاشت.

جهانی شدن تجارت در روزگار کنونی، همچون راه ابریشم، می‌تواند تماس‌ها و آشنایی‌های میان تمدن‌های جهان را تسهیل کند؛ اما به شرط آنکه به اقتصاد، زبان، فرهنگ و امور اجتماعی اهمیت خاص دهد. به همین دلیل است که گفت‌وگوی میان تمدن‌ها ضروری می‌شود؛ به‌ویژه که دیگر وجوه زندگی اجتماعی انسان‌ها به خوبی روابط اقتصادی سامان نگرفته‌اند و رسیدگی به

در تاریخ بشر، بازرگانی به نزدیک شدن فرهنگ‌های مختلف بسیار کمک کرده و از این طریق به شناخت متقابل فرهنگ‌ها و تماس میان آنها یاری رسانده است. بازرگانی که غالباً مترادف سفر، گرفته می‌شده، تقریباً همیشه نه فقط مبادله کالاها که تبادل در زمینه‌های ادبی، فرهنگی و مانند آنها را تشویق و تقویت کرده است.

راه ابریشم را مثال بزنیم که یکی از اولین و کهن‌ترین راههای بازرگانی در جهان بوده است. در حقیقت راه ابریشم، نه تنها امکان نقل و انتقال کالا را فراهم آورد، بلکه موجب انتقال و شناخت اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات ملت‌های آن روزگار شد. این شناخت، که همچون میراثی ارزشمند و نفیس برای بشریت مانده است، تأثیری ژرف در نزدیک شدن فرهنگ‌ها و ملت‌های





در کنار دولت‌ها، زبان گفت‌وگوی ملت‌ها در این قالب گشوده شده است. ملت‌هایی که در تاریخ معاصر در طی دو جنگ جهانی اول و دوم میلیون‌ها نفر را در کام مرگ دیده‌اند، آموخته‌اند که از جنگ و کشتار و ویرانی نتیجه‌ای حاصل نمی‌گردد و اگر قرار است راه حلی برای حل مشکلات پدید آید در میدان گفت‌وگو و مذاکره است.

آموخته‌اند که از جنگ و کشتار و ویرانی نتیجه‌ای حاصل نمی‌گردد و اگر قرار است راه حلی برای حل مشکلات پدید آید در میدان گفت‌وگو و مذاکره است.

در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، ارتباط میان تمدن‌ها دیگر طرح فکر اختیاری نیست، بلکه ویژگی اصلی تحولات چشمگیری است که موجب از هم گسیختگی‌های انبوهی شده، که فعالیت‌ها و حرکت‌های اقتصادی، فناوری و اطلاعاتی جدید را به دنبال داشته است.

امروزه، بر اثر فشار و توان این نیروهای اقتصادی و فنی عظیم، تمدن‌ها پهلوی به پهلوی هم می‌سایند و در نوعی «همجواری عینی» به سر می‌برند، که البته برخی از متفکران آن را گسترش آرام «غلتک فشارآور غرب» بر سراسر جهان توصیف می‌کنند، و دیگران معتقدند که تاریخ تمدن‌ها چیزی جز تماس و وام‌گیری متقابل نیست. به هر حال، اینکه ارتباط تمدن‌ها امروزه بار دیگر مورد توجه قرار گرفته به این جهت است که این امر، اجتناب‌پذیر نیست.

در برابر این اجتناب‌ناپذیری دو موضع‌گیری متفاوت به چشم می‌خورد: یکی هانتینگتن که پیش‌بینی کرده است، در واقعیت سیاسی جدید جهان، منشأ اصلی بحران‌ها و درگیری‌ها نه عقیدتی است (چنانکه در دوره جنگ سرد بود)، نه اقتصادی (برخلاف آنچه بسیاری از اقتصاددانان اعتقاد دارند)، بلکه صرفاً فرهنگی خواهد بود. به عقیده او هشت تمدن کنونی جهان یعنی غربی، کنفوسیوسی (چینی)، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، مسیحی، آمریکای لاتینی و احتمالاً آفریقا با یکدیگر کشمکش و برخورد خواهند داشت و موجب بروز «برخورد تمدن‌ها» در صحنه جدید سیاست جهان خواهند شد. در مقابل آن نظریه تفاهم تمدن‌ها است، شعاری که رئیس‌جمهور اسبق ایران زیر عنوان «گفت‌وگوی تمدن‌ها» مطرح کرده است. به عقیده او تمدن‌ها در میان خود به گفت‌وگو خواهند پرداخت یا بهتر است که به گفت‌وگو بپردازند؛ تا از بروز بدبختی‌های که نوع بشر در طول تاریخ این همه از آنها رنج برده است پیشگیری شود.

مسائل مختلفی که ملت‌های جهان از آنها در رنج‌اند، مثل فقر، بیماری‌های مسری، قاچاق مواد مخدر، فقدان توازن میان نواحی مختلف جهان، یک تعهد و التزام دیگرگون ساز را اقتضا می‌کند.

عنصر نیرومند جهانی شدن غالباً وجه اقتصادی دارد، چنانکه زغال سنگ و فولاد پایه همبستگی اتحادیه اروپا به حساب می‌آیند. اما می‌توان پرسید که آیا زندگی فقط به همین یک جنبه محدود می‌شود؟ و آیا وجوه تشکیل دهنده زندگی همین‌ها - هر چند هم مهم - هستند؟ پاسخ منفی است. زیرا برای اینکه گفت‌وگوی تمدن‌ها عملاً زندگی انسان‌ها را باز نمایاند، لازم است که بر همه زندگی و تمامی جنبه‌های آن اشاعه یابد و مخصوصاً بر آنچه انگلیسی‌ها "humanities" یعنی انسانیات (براساس نظر غلامحسین مصاحب) می‌نامند، یعنی هنر و ادبیات، هر فرهنگ یا تمدن یک مجموعه پویاست که تحول می‌یابد، دگرگون می‌شود و به یاری دستاوردها و تماس‌ها غنی می‌گردد. در این معنی، تماس‌های فرهنگی، ادبی و هنری یک نیروی بالقوه پایان‌ناپذیر برای گفت‌وگو و استغنای متقابل فرهنگ‌ها به شمار می‌روند. در عین حال، تماس بر مبنای «انسانیات» ممکن نخواهد بود مگر در وضعیتی آکنده از تسامح و احترام متقابل ارزش‌ها و با اجتناب از اینکه نوعی «تعقل» یا «محاسبه» در صدر همه چیز قرار گیرد و میزان داوری درباره ارزش‌های دیگر و طبقه‌بندی آنها شود و در حقیقت چیزهایی در زندگی یافت می‌شوند که غیرقابل طبقه‌بندی‌اند و در هیچ چارچوبی جای نمی‌گیرند.

همه به خاطر دارند که در کنار اجلاس جهانی اقتصاد که در داووس سوئیس برگزار می‌شود، چندین سازمان غیردولتی (NGO) تشکیل می‌گردد و راه‌های حل و فصل مسائل را به گفت‌وگو می‌سپارند.

در کنار دولت‌ها، زبان گفت‌وگوی ملت‌ها در این قالب گشوده شده است. ملت‌هایی که در تاریخ معاصر در طی دو جنگ جهانی اول و دوم میلیون‌ها نفر را در کام مرگ دیده‌اند،